

کاوشی در نظام مساجد در کاربری زمین شهر و استخراج معیارهای مکانگزینی آن

فرشاد نوریان^۱، حجت الاسلام محمدحسین الهی زاده^۲، محمد مهدی عبدالهی ثابت^۳

^۱ دانشیار دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ استاد، مدرسه عالییه نواب، مشهد، خراسان، ایران.

^۳ دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۴/۲۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۷/۵)

چکیده

مسجد بارزترین و نمادی‌ترین بنای شهر به شمار می‌رفته است. اهمیت مسجد در برخی دوران‌ها تا بدان جاست که مدنیت شهر در قلمرو حکومت اسلامی درگرو وجود مسجد جامع در آن شهر بوده است. به علاوه، عنصر محوری مراکز محلات همواره مساجد محله بوده‌اند. با این حال، طی سده اخیر، اتصال و پیوند مسجد با شهر در مسیر تکاملی شهرسازی آن از دست رفته و مکان‌گزینی درخور مقام و جایگاهش را در جامعه امروز ایران نیافته است. در این مقاله، با مروری بر اصول طراحی مسجدالنبی و تحولات مسجد پس از آن در دوران‌های مختلف، نقش مسجد مکتب اصفهان در حیات شهری مورد بررسی قرارگرفته و با مصاحبه با صاحب‌نظران اسلامی به معیارهای مکانی مسجد پرداخته شده است. این پژوهش سعی خود را مصروف در تدوین معیارها و شاخص‌های مکانی مسجد به منظور کارایی در برنامه ریزی کاربری زمین، نیز شاخص‌های طراحی شهری و ملاحظات اجرایی در طراحی کالبدی و ساخت بنای مسجد دارد. در ادامه، اصول سلسه مراتب، مرکزیت، قلمرو، دسترسی، تجمع، قبله به عنوان معیارهای برنامه ریزی شهری و اصول وحدت، تمرکز، تفوق و سادگی را در قالب شاخص‌های طراحی شهری و اصل نخستین بنا را در چارچوب ملاحظات اجرایی پیشنهاد می‌دهد.

واژه‌های کلیدی

مسجد، شهر، مکانگزینی، معیارهای مکانی.

مقدمه

مکانی این عنصر شهری از نگاه نظریه پردازان شهرسازی غرب دور بماند. چنانچه شاهد آنیم که در هیچ یک از آثار برنامه ریزی شهری غربی که به بیان ویژگی‌ها، استانداردها و معیارهای مکانی عملکردهای شهری اهتمام ورزیده اند، هیچ نام و نشانی از مسجد نیست چه رسد به آنکه در مورد ضوابط مدون مکانی آن بحثی به میان آید و این در حالیست که با توجه به مطالعات انجام شده و ارزیابی داده‌های موجود، مساجد و ویژگی‌های آن به لحاظ اصول شهرسازی در شهرسازی نوین ایران، هم از نظر تعداد و هم از نظر شکل توزیع، در شرایط مناسبی نمی‌باشند. ویژگی تقسیمات کالبدی و مفاهیمی همچون محله و واحد همسایگی یا مرز محله تنها شکلی ظاهری پیدا کرده و در عمل قابل تعریف نیست. مرکز محله و مسجد به عنوان عنصر شاخص محله‌ای رنگ باخته و ظاهراً تنها قرارگیری مساجد در تقاطع‌های اصلی و پرفت و آمد، از جمله ویژگی‌های اساسی در انتخاب مکان استقرار مساجد در نظر گرفته شده است (حقیقت نائنی، ۱۳۸۰، ۲۶۴). این روند تا آنجا پیش می‌رود که برخی از صاحب نظران معتقدند اندازه و محل استقرار مساجد مفهوم خود را در ارتباط با دسترسی و رعایت مقیاس در سلسله مراتب تقسیمات کالبدی کاملاً گم کرده و مساجد در موقعیت‌های مختلف و در مقابل مخاطب‌های گوناگون عمدتاً در یک شکل و عملکرد ثابت ساخته شده و به همین دلیل پاسخگوی بسیاری از نیازهای ساکنان محلات نیستند و در نهایت کمتر مورد استقبال ساکنین قرار می‌گیرند. اغلب مساجد امروزی با نیازها و الگوهای رفتاری متنوع و متعارف جامعه در ابعاد فردی و اجتماعی مواجه هستند که برای رفع آنها طراحی و ساخته نشده اند، که حاصل آن تضعیف حس آشنایی و تعلق به مکان در محدوده‌های تحت پوشش آنهاست (حقیقت نائنی، ۱۳۸۰، ۲۶۵).

با این ملاحظات ضرورت پژوهش و تدوین اصول و معیارهای مشخص و مدون برای مسجد که نه تنها نقشی کانونی و محوری در مجموعه فعالیت‌های شهری دارد بلکه بر فعالیت‌های شهری دیگر نیز به طور مستقیم و یا غیرمستقیم تاثیرگذار است تا آنجا که حتی جهات توسعه شهر را نیز معلوم می‌کند، بوضوح قابل درک است.

آیا مساجد در کاربری زمین از نظام خاصی تبعیت می‌کنند؟ آیا معیارهایی برای مکان‌گزینی و طراحی مسجد می‌توان تصور کرد؟ آیا می‌توان از معارف قرآنی رهیافت‌هایی بدست آورد تا مبنایی برای تدوین ضوابط شهرسازی برای مکان‌گزینی مسجد در شهر باشد؟ این‌ها از نمونه سؤالاتی است که در متون شهرسازی ایران پدیدار شده اما در اثر گسست فرهنگی و هویتی تحمیل شده به جامعه ایران در سده اخیر، رابطه نظام مندی بین مسجد و رشد در مسیر تکاملی آن برقرار نشده است. کاربری زمین شهری یکی از مفاهیم پایه و اصلی شهرسازی است که در حقیقت شالوده شکل‌گیری این علم را بنیان می‌نهد. کاربری زمین شهری به معنای ساماندهی مکانی و فضایی فعالیت‌ها و عملکردهای شهری براساس خواست‌ها و نیازهای جامعه شهری است. برنامه‌ریزی کاربری زمین در عمل، هسته‌ی اصلی برنامه‌ریزی شهری را تشکیل می‌دهد و انواع استفاده از زمین را طبقه بندی و مکانیابی می‌کند. شاخص‌های مکانیابی فعالیت‌های مختلف و سنج‌های اختصاص به زمین به کاربری‌های گوناگون در برنامه‌ریزی کاربری زمین، معیارهای مکانی کاربری زمین هستند. معیار مکانی در کاربری زمین، استاندارد است که با آن مکان بهینه یک کاربری در شهر مورد سنجش قرار می‌گیرد. اساس تعیین معیارهای مکانی کاربری زمین شهری، مشخصات محلی و احتیاجات ساکنان شهر و موسسات و نهادهای مستقر در شهر و همچنین استانداردهای فضایی هر کاربری است. اساس تعیین نیازهای ساکنان و موسسات شهر خود آنها هستند و استانداردهای فضایی برای هر فعالیت نیز بر مبنای میزان فضا یا سطح زمین مورد نیاز آن فعالیت و عملکرد آن معین می‌گردد.

از سوی دیگر، با توجه به آنکه اساساً شهرسازی به معنای آکادمیک و تئوریک آن علمی است حاصل رنسانس علمی، فرهنگی ادبی و هنری اروپاست و با توجه به اینکه مسجد و عملکرد، ارتباط و وابستگی دوسویه‌ی آن با سایر فعالیت‌های انسان همچنین وابستگی فعالیت‌های شهری به مسجد، در گستره تسلط دول اسلامی بوده و بخش زیادی از اروپا که مهد این رنسانس می‌باشد با این عنصر شهری به لحاظ وجودی و ماهیتی بیگانه است، پس طبیعی است که شرایط و معیارهای

روش‌شناسی

در شهرسازی، دوم بررسی روند تحولات مسجد از لحاظ فرم و عملکرد از بنا شدن اولین مسجد در مدینه تا امروز و سوم بررسی قرآن کریم و تفاسیر آن به هدف دست یافتن به رهیافت‌هایی تا از تبیین آن در حیطه شهرسازی بتوان معیارها و یا دست کم اصولی به منظور تدوین معیارهایی برای مکان‌گزینی و طراحی مسجد.

چنانچه در مقدمه ذکر شد، هدف این پژوهش ارائه معیارهایی برای مکان‌گزینی مسجد است با تاکید بر رهیافت‌هایی از معارف قرآنی است؛ از این روی در این پژوهش باید دست کم در سه حوزه به جمع‌آوری اطلاعات مبادرت شود، نخست متون شهرسازی برای تعریف دقیق از معیارهای مکانی و خصوصیات و جایگاه آن

اهمیت و نقش مسجد جامع در ساختار شهرها چنان بود که در توسعه و رشد شهری موجب تغییر هسته مرکزی شهر می‌شد. مسجد جامع جدید و ملحقات آن: بازار و ارگ، هسته توسعه بعدی را تشکیل می‌داد. (اعتضادی، ۱۳۷۷، ۲۰) عناصر کالبدی شاخص در شهر اسلامی خصوصاً مسجد به علت داشتن بعد عقلانی و معنوی، به شهروندان هویت و اعتباری ویژه می‌بخشد و تاریخ گواه آنست که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در اولین اقدام عملی و نمادین در تغییر بافت اجتماعی - کالبدی یترب و پایه گذاری مدینه النبی، "مسجد" بنا فرمود (بومند صالح، ۱۳۸۰). این نقش در شهرهای اسلامی تا بدان جاست که مشکلات امت در این مکان حل و فصل می‌شود. چنانچه مسجد جامع، علاوه بر نقش مذهبی خود، نقش اجتماعی و سیاسی بسیار قوی نیز دارا بوده است. در همین مسجد است که مسوولیت‌ها و بحران‌های دولت اسلامی با امت در میان گذاشته می‌شود و از فراز منبر همین مسجد است که حکم خلع یا انتصاب کارگزاران دولت اسلامی خوانده می‌شود و امت نیز رضایت و نارضایتی خود از حکومت مستقر در شهر و منطقه را با شرکت یا عدم شرکت در مراسم نماز جمعه اعلام می‌داشتند (حبیبی، ۱۳۸۲، ۴۲).

علاوه بر این، نقش فرهنگی مسجد در نظام شهری شهرهای اسلامی درخور توجه است. با توجه به نقش فرهنگی-اجتماعی مساجد (بخصوص مساجد بازار) معمولاً فعالیت‌هایی که بیشتر دارای جنبه اجتماعی هستند، در اطراف ورودی مساجد دیده می‌شوند، مانند قهوه خانه که اگرچه در بیشتر موارد برای این فعالیت‌ها در کنار ورودی، فضای خاصی در زمان طراحی در نظر گرفته نمی‌شد، ولی این فضاها به دلیل نیاز به چنین فعالیت‌هایی شکل گرفت و در بعضی موارد این فضاها نشانه شاخصی از محل قرارگیری مساجد به شمار می‌رفت. این فضاها همچنین محلی برای استراحت و گفتگویی هرچند کوتاه با اطرافیان، پس از به جا آوردن فریضه نماز بود که تا امروز نیز توانسته است این نقش را به خوبی ایفا کند (بلیان اصل و فرمانی سنسری، ۱۳۸۰).

همچنین از نقش آموزشی مسجد در شهرهای اسلامی نیز در تاریخ مدارکی موجود است، چنانچه تا قرن چهارم که بنا بر منابع تاریخی موجود اولین مدارس دینی در جهان اسلام شکل گرفتند، مساجد علاوه بر مرکزیت عبادی، محلی برای آموزش علوم دینی نیز محسوب می‌شد. بعد از این تاریخ نیز مساجد همچنان محل آموزش بوده و در برخی از آنها در کنار برگزاری مراسم مختلف عبادی و... گاه حجره‌هایی محدود برای آموزش علوم دینی احداث می‌شد و از قرن پنجم مدارس به عنوان نهادهای دینی به یکی از ارکان اصلی شهرهای اسلامی تبدیل شدند در حالی که ارتباط بین این دو مرکز عبادی و علمی-مسجد و مدرسه- در طول تاریخ اسلام به صورت مختلف وجود داشته که هم از نظر عرفانی و حتی هم علمی و معماری قابل تامل است. معمولاً بسیاری از مدارس در نزدیکی مساجد بخصوص مساجد جامع احداث می‌شدند (گلیجانی مقدم، ۱۳۷۸).

عملکرد مسجد، تنها محدود به مساجد جامع نبوده و گستره خود را تا محلات نیز می‌گستراند. در مسیر تکون شهرهای اسلامی

دریخس نخست بررسی از کتابخانه ای در منابع شهرسازی به عنوان روش مناسب استفاده شده است، در قسمت بعدی نیز برای تحلیل تحولات فرمی و کارکردی مسجد بررسی کتابخانه ای مورد استفاده بوده است. در این قسمت تاکید بر تحولات مسجد النبی و نیز مسجد مکتب اصفهان بوده است؛ چراکه تحولات مسجد النبی بویژه در در زمان حیات پیامبر اکرم با نظر و یا تأیید آن جناب بوده است که این خود یکی از منابع اسلامی نیز به شمار می‌رود، همچنین بر مکتب اصفهان نیز از آن روی تاکید شده است که در تاریخ ایران به عنوان اوج معماری و شهرسازی ملهم از اندیشه اسلامی شناخته می‌شود. بخش سوم را می‌توان دشوارترین بخش این پژوهش نام نهاد، چراکه برای بررسی قرآن کریم و تفاسیر نخست می‌باید رویکردی مسبوق به تأیید از سوی قرآن شناسان انتخاب می‌شد، سپس نتایج بدست آمده در چارچوب بکارگیری همان روش نیز باید مورد تأیید قرآن شناسان قرار گیرد تا قابل استفاده باشد؛ همچنین از آنجا که موضوع این پژوهش به صورت مطوی و ضمنی در معارف قرآنی مطالبی ذکر شده است، نیز مقدمات فراوان بهره برداری‌های این چنین از قرآن کریم با بررسی کوتاه مدت این پژوهش و نیز معلومات پژوهشگران ممکن نبوده، از این روی روش مصاحبه مستقیم با قرآن شناسان نیز علاوه بر بررسی کتابخانه ای مورد استفاده قرار گرفته است. نکته قابل توجه آن که نتایج حاصل از این بخش به صورت خام قابل استفاده در شهرسازی نیست و نیازمند تحلیلی است تا مطالب مطروح به متون شهرسازی مبدل گردد و این امری است که اگر بی سابقه نباشد دست کم در متون شهرسازی کم سابقه بوده است، به همین جهت نیز تلاش زیادی را مصروف خود ساخته است. حاصل آن که در این قسمت از روش تدبیر موضوعی در قرآن کریم^۱ برای جمع آوری مطالب از قرآن کریم و همچنین مصاحبه با قرآن شناسان و تحلیل و ترجمه آن به متون شهرسازی استفاده شده است.

نقش عملکردی مسجد در کاربری زمین شهرهای اسلامی

مسجد کانون تجلی هویت معنوی مسلمانان و مرجع و پناه و تکیه آنان، از صدر اسلام تا کنون مهم‌ترین عنصر شهری و معماری و مرکز تبلور عالی‌ترین اشکال خلاقیت، ذوق و سلیقه معماران مسلمان بوده است. (حبیبی و اهری، ۱۳۷۷) چنانچه بر اساس کاوشهای تاریخی اولین عنصری که اسلام به شهر افزوده بود یعنی مسجد جامع به صورت مهم‌ترین رکن مذهبی شهر درآمد. مسجد جامع معمولاً در ارتباط قوی با سایر عناصر مرکز شهر قرار داشته است (توسلی، ۱۳۸۱، ۱۱).

چنانچه با بررسی تاریخ معماری دوران پس از ظهور اسلام، مشاهده می‌شود که در هر دوره تاریخی، مساجد ضمن بهره‌مندی از رشد و تعالی کامل هنرهای دوران خود، از آثار معماری شاخص هر زمان به شمار می‌روند، به گونه ای که همواره از مساجد به عنوان جایگاه هنر دوران اسلامی یاد می‌شود (بمانیان، ۱۳۸۰).

از تکون خود به دانشگاه بزرگی بدل می‌گردد که قریب به ۴۰۰۰ دانشجو در آن آموزش می‌یابند و طیف وسیعی از علوم مختلف در آن تدریس می‌شود که تا آن زمان بی سابقه بوده است (حاج سید جوادی، ۱۳۷۸).

مسجد پیامبر اولین بنایی بود که به دست مبارک پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ساخته شد. مستطیلی رو قبله و محوطه ای باز؛ صفا ای برای اصحاب پیامبر که به اصحاب صفا مشهور گشت. این الگویی بود برای تمام مساجد جهان اسلام. ثابت و استوار شد چون سنت پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اسوه ی حسنه بود و هست. حیاط مرکزی معنا و مفهومی دارد که از جهان بینی نشأت گرفته است. توجه به درون و درون گرایی و خود شناسی و خودسازی برای عروج و دیگر سازی. حیاط مرکزی از محدوده اقلیمی عبور می‌کند و یک نوع ارزش و جهان بینی را مطرح می‌کند(ذوالفقارزاده، ۱۳۷۸).

مساجد دوران اسلامی نیز تقلیدی از شکل مسجدالنبی در مدینه هستند (شکاری، ۱۳۸۰) چنانچه نخستین مساجد با نقشه ی ساده و مصالح بومی چون تنه، شاخه و برگ نخل و گل در شبه جزیره عربستان بنا گردید. سپس برای امنیت و حفظ حراست مسلمانان از حمله دشمنان و آفتاب گرم دیوارهای برونی تقویت گردید و پیش خوانی ستون دار با محلی برای اذان به آن اضافه شد (پورجعفر، ۱۳۸۰).

در آغاز اسلام؛ پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با توجه به فوریت لازم مسجدی برپا کردند و لزوماً تمامی تصمیم گیری های شهر ۵۰۰ نفری مدینه النبی در همین مسجد رقم می خورد. مساجد بعدی با ایجاد سازمانهای شهری بعضی از کارکردهای اولیه را از دست دادند و به جای آن کارکردهای دیگری به آنها افزوده شد و تقویت گردید(عرفان، ۱۳۷۸). منشا شکل گیری مسجد در آغاز تنها یک بنا و آن خانه پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود. از خانه پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در مدینه بود که تقریباً شکل قطعه اولیه مساجد به وجود آمدند. این خانه تقریباً به صورت چهار گوش و در ابعاد ۵۳ در ۵۶ متر بود. بنا از دو فضای اصلی تشکیل می شد؛ اول فضای باز که قسمت مهم آن بود و حدود ۸۰ درصد سطح اصلی را در برمی گرفت. از همین جا در طراحی مساجد و سادگی و سعت یک فضا باز که تا بحال ادامه یافته در نظر گرفته شد. دوم سایبان ها در قسمت جنوبی و جنوب شرقی. کم کم این مسجد به مکانی تبدیل شد که در آن تقریباً تمامی فعالیت های رسمی صدر اسلام انجام می گرفت. مسجد مدینه بعد از تخریب خانه پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و در همان مکان ساخته شد. طرح کلی آن با تکیه بر دو قسمت سر پوشیده و حیاط غیر سر پوشیده، تقریباً شکل کلی خانه پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود. در این زمان اولین اضافات سر پوشیده کردن دو قسمت دیگر جانبی بود. بعد از این زمان ۴ برج در گوشه مسجد بنا شد که متاثر از بناهای عصر خود بود. همین برج ها بود که در مساجد بعدی به شکلهای متنوع مناره در آمد و حجم نمادین و حتی زیبا شناختی معماری اسلامی شد (کیانی، ۱۳۸۰).

از آنچه که ذکر شد و در ادامه نیز اشاره می شود، جایگاه و نقش

پس از ظهور اسلام، همواره یکی از عناصر چندگانه مراکز شهر و حتی مراکز محلات، مساجد بوده اند که معمولاً عنصر مسلط بر سایر عناصر مراکز شهری بوده اند(توسلی، ۱۳۸۱، ۱۰). چنانچه عناصر تشکیل دهنده مرکز تاریخی شهر یزد عبارت از: مسجد جامع، بازار و چهارسوق شاهی قدیم، حمام و مدرسه علمیه بوده است. (توسلی، ۱۳۸۱، ۴۲) و یا عناصر اصلی تشکیل دهنده مراکز محلات شهر قدیم نائین شامل: حسینه، مسجد محل، آب انبار و بازارچه و... بوده است(توسلی، ۱۳۸۱، ۴۸). تاثیر مسجد بر شهرهای اسلامی تا بدان جاست که بنا بر پژوهش های صورت گرفته عناصر عمده شهر قدیم زواره را مسجد جامع، میدان بزرگ و کوچک و بازار زواره نام برده اند، که در این میان، مجموعه پیوسته و فعال مسجد جامع، میدان و حسینه بزرگ و کوچک، بازار و سایر عناصر که از طریق گذرهای اصلی با یکدیگر مرتبط بوده و انتظام فضایی زواره شکل می دادند(توسلی، ۱۳۸۱، ۵۰). چنانچه در مورد طبرس نیز از مسجد جامع و مدرسه به عنوان عناصر اصلی شهر یاد شده است(توسلی، ۱۳۸۱، ۵۲). سمنان نیز از این قاعده مستثنا نیست، چنانچه ساخت اصلی شهر را هشت عنصر اصلی، مسجد جامع، بازار، تکیه حمام، امامزاده، مسجد سلطانی، تکیه ناسار و میدان تیرانداز تشکیل می داده اند، چنانچه مسجد به عنوان عنصر اصلی مراکز محلات نیز در این شهر ایفای نقش می کرده است(توسلی، ۱۳۸۱، ۵۴-۵۵). و به همین صورت است در شهرهای دیگر مانند: کاشان، شیراز، تهران و... (توسلی، ۱۳۸۱، ۵۶-۶۳).

طبق آنچه که در این بخش ذکر گردید، چنین کشف می شود که در طول تاریخ شهرنشینی پس از اسلام، مسجد به عنوان فعال ترین و مهم ترین کانون تعاملات و تحولات در تمام عرصه های اجتماعی-فرهنگی و سیاسی-اقتصادی حضور بی رقیب داشته و کانون مدنیت شهرهای اسلامی را تشکیل داده است.

مروری بر تاریخچه مسجد

۱. پیدایش-مسجدالنبی

مسجد النبی دومین مسجد بعد از مسجد قبا و اولین پایگاه علم و آموزش در اسلام است. که در زمان آغاز شکل گیری به عنوان عمده ترین مرکز فعالیت های مذهبی، اجتماعی و سیاسی ایفای نقش کرده است. این مسجد اولین کانون بحث و تدریس بوده و پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و اصحاب دانشمند ایشان در گوشه و کنار آن به وعظ و نقل آیات قرآن برای مردمی که گردشان حلقه می زدند می پرداختند. این رسم در دوران جانشینان آن حضرت همچنان معمول بوده است و دانشمندان و علما در مسجدالنبی و مسجدالحرام و سایر مساجد به تدریس علوم دینی و ایراد خطبه و موعظه ی مردم می پرداختند. این سنت بحث و درس همچنان در جامعه اسلامی توسعه یافته و با گسترش سرزمین ها اسلامی در این قلمرو وسیع، گسترده می شود، چنانکه در عصر امام صادق(عَلَيْهِ السَّلَام) مسجد پس از یک سده

خود از حکومت مستقر در شهر و منطقه را با شرکت یا عدم شرکت در مراسم نماز جمعه اعلام می‌داشتند (حبیبی، ۱۳۸۲، ۴۲).

دگرگونی و تغییر شکل مسجد جامع رابطه ای بسیار نزدیک با دگرگونی مفهوم دولت اسلامی، منطقه ای شدن و محلی شدن آن دارد. این تغییر و تبدل را می‌توان در چهار دوره مشخص از دگرگونی مسجد جامع دریافت:

دوره اول: این دوره، گستره‌ای بس کوتاه را در صدر اسلام شامل می‌شود. در این دوره مسجد صورتی ساده و بی‌پیرایه دارد. الگوی آن مسجدالنبی است. با ساده‌ترین مصالح - بخصوص مصالح موجود در محل - و با معماری بسیار نزدیک به بافت پیرامون خود (حبیبی، ۱۳۸۲، ۴۲-۴۶). چنانچه در صدر اسلام، مساجد ترکیب ساده‌ای داشتند. بنای مساجد اولیه بسیار ساده و بی‌پیرایه بود. مسجد پیغمبر در مدینه به همان شیوه‌ای که خانه‌ها ساخته می‌شد، یعنی از خشت و گل درست شده بود (توسلی، ۱۳۸۱، ۱۱). این مسجد مکانی است که در حیات آن دستورات به اطلاع امت رسانیده می‌شود. مسجد در این دوران محل استقرار حکومت اسلامی نیز می‌باشد. در شهرهای تسخیر شده این مسجد یا در مکان معابد قدیمی مستقر می‌گردد و یا بنایی ساده است که در کنار میدان اصلی شهر برپا می‌گردد. در این دوره مسجد تنها دگرگونی عمده‌ای است که در سازمان فضایی - کالبدی شهر اسلامی شده رخ می‌دهد. چهره شهر عمدتاً همانی است که پیش از این بوده (حبیبی، ۱۳۸۲، ۴۲-۴۶).

تغییر الگوی شهرهای مفتوحه در این دوره، با مکان‌یابی و احداث مسجد آغاز می‌شد. مسلمین غالباً نخست در خارج از حصارهای شهر در اردوگاه‌هایی مستقر می‌شدند. چنانچه در تاریخ بخارا آمده است که پادگان‌های اعراب و سپاه اسلام در بخارا (در ریبض یا شارسنتان) استقرار یافت و مسجدی در بخارا بنا نهادند. مسجد مرکز زندگی سیاسی و عبادی مسلمانان بود و در نزدیکی آن سکونت‌گاه فرمانروا بنا می‌شد (اعتضادی، ۱۳۷۷، ۱۴). "در واقع شهر با یک جهت یابی دقیق شروع می‌شود... و این چنین است آغاز به مسجد... تعیین جهت قبله و نقطه مرکزی شهر، نیزه فرو رفته در زمین، نمادی از محوریت جهان هستی است که هدایت می‌کند و نظم می‌بخشد و این نقطه آغاز پی افکندن شهر است. مسجد و شهری که برپا می‌شود، در راستایی مشترک جهت دارند و شهر از آنجایی شروع می‌شود که مسجد پایان یافته است. اما مسجد خود را از شهر جدا و متمایز نمی‌کند، در کنار آن بازار شکل می‌گیرد، مسجد و بازار فضای شهری واحدی را طرح می‌ریزند که ریشه در تفکر وحدت‌گرایانه اسلامی دارد، چراکه مکه هم زیارتگاه بود و هم مرکز تجارت. الگوی مسجد النبوی در مدینه که مرکز مذهبی و سیاسی جامعه مسلمانان بود، اکنون با ظهور دارالاماره در کنار بازار و مسجد به صورتی جدید تکرار می‌شود (اعتضادی، ۱۳۷۷، ۱۲).

دوره دوم: این دوره عمدتاً دولت اسلامی را در زمان بنی‌امیه شامل می‌شود. در عین آنکه مسجد در ربط کامل با دولت اسلامی است ولی در کنار خود دارالاماره را هم زمان شروع می‌کند. بین مسجد و دارالاماره فاصله‌ای اندک وجود دارد و بسیاری از موارد

مسجد را در صدر اسلام در تکون اولین مسجد تاریخ به روشنی دریافت. مسجد نخستین عنصری است که با گسترش کالبدی شهر و افزایش جمعیت آن گسترش می‌یابد. به عبارت دیگر مسجد از جمله اولین نیازهای شهروندان مدینه به شمار می‌رفته است. به همین سبب با گسترش شهر و فزونی یافتن جمعیت آن، از جمله نخستین خواست‌های مردم از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به عنوان حاکم جامعه، گسترش کمی و کیفی مسجد است، همان طور که در روایت زیر به آن اشاره شده است.

با توجه به آنچه ذکر شد، در یک جمع بندی اجمالی می‌توان اصول حاکم بر معماری مسجدالنبی را برشمرد:

- ۱- جهت قبله به عنوان اصلی‌ترین محور در ساختمان مسجد
- ۲- توجه به اقلیم و شرایط محیط مناسب
- ۳- خودبسندگی (تامین مصالح بومی و همخوانی با بناهای اطراف)
- ۴- درونگرایی (عدم اشراف به بیرون و یا برعکس)
- ۵- پرهیز از بیهودگی
- ۶- نیارش (استحکام و توجه به استقامت بنا)
- ۷- رعایت سلسله مراتب (ورودی، صحن، شبستان)
- ۸- مردم‌واری (اندازه‌ها در مقیاس انسانی)
- ۹- بهره‌گیری از تکنولوژی زمان و مکان
- ۱۰- بهره‌گیری از فرهنگ و هنر زمان و مکان (مصطفوی، ۱۳۸۳).

۲. تحول و تثبیت - مسجد پس از مسجدالنبی

در این بخش تلاش بر آن است تا نقش مسجد را در ساختار شهرهای اسلامی بیان گردد. از احداث یا تغییر شکل شهرها تا رشد و توسعه آنها، نیز کشف کیفیت الگوی کلی و یگانه شهرهای مسلمان نشین که بر مبنای نقش محوری مسجد پدید می‌آید. نخستین دولت اسلامی در شهر متولد می‌شود و با عنایت به آنکه تشکیل این دولت برای نخستین بار در "مسجد" حادث می‌شود، (حبیبی، ۱۳۸۲، ۴۲) مسجد النبوی - اولین مسجد مسلمین - مسجدیست در وسط مدینه که جایگاه نبوت و خلافت بود، دین و دنیای مسلمین و همه مسایل و وقایع مربوط به مسلمانان در این مرکز حل و فصل می‌شد که به بیان دیگر، مدنیت مدینه بر آن استوار بود (اعتضادی، ۱۳۷۷، ۱۲). به همین جهت وجود مسجد جامع (مکانی که در آن نماز جماعت و جمعه به عنوان بیان کننده وظایف و آرمان‌های دولت اسلامی برپا می‌شود) به یکی از مشخصات اصلی شهر سکونت‌گاهی به مقام شهر می‌رسد که دارای جامع باشد. نخستین مکانی که به هنگام فتح یک شهر ساخته می‌شود و یا معبد، آتشگاه و یا کلیسایی بدان منظور تغییر شکل می‌یابد، مسجد جامع است (حبیبی، ۱۳۸۲، ۴۲).

مسجد جامع، علاوه بر نقش مذهبی خود، نقوش اجتماعی و سیاسی بسیار قوی نیز داراست. در همین مسجد است که مسوولیت‌ها و بحران‌های دولت اسلامی با امت در میان گذاشته می‌شود و از فراز منبر همین مسجد است که حکم خلع یا انتصاب کارگزاران دولت اسلامی خوانده می‌شود و امت نیز رضایی و نارضایی

از طریق ارتباطی سرپوشیده دو بنا به یکدیگر مرتبط می‌شدند. استقرار جامع معمولاً در ارتباط مستقیم با گذر اصلی و بازار نیز مورد بررسی قرار می‌گرفت. شکل‌گیری اولین مدارس در کنار مساجد در این دوران رخ می‌دهد. در این دوره شهر به مکانی اطلاق می‌گردد که دارای جامع باشد. بودن جامع به معنای حضور دولت اسلامی در بالاترین سطح، در منطقه ای است که شهر بر آن نفوذ اقتصادی - سیاسی و فرهنگی - اجتماعی دارد (حبیبی، ۱۳۸۲، ۴۲-۴۶). در این دوره با مهاجرت مردم به شهرهای فتح شده، محلات شکل گرفتند و بازارها از مقابل ورودی‌های مساجد در محلات و مرکز شهر بنا شدند. مسلمانان با فتح شهرهای تمدن‌های پیشین آنها را متناسب با جهان بینی خویش تغییر دادند و این دگرگونی را همه جا با ساختن مسجد آغاز کردند، چنانچه در دمشق که نخستین پایتخت بنی امیه شد، ابتدا در ناحیه مقدس شهر مسجدی برپا شد. در این دوره، مساجد فضای اجتماعی زندگی شهری بودند و بر مبنای نقشی که داشتند، چهره شهرهای مفتوحه را تغییر دادند: نظم هیپودامیک و قواعد شهرهای هلنی محو شد و الگوی نمادین شهرهای جامعه طبقاتی ایران دگرگون شد، مسجد در فضای درون‌گرایی خود در کنار بازار فعالیت‌های زندگی شهری را سامان می‌داد چنانچه راسته بازار از مقابل درهای مسجد شروع می‌شود و تنگاتنگ آن را در برمی‌گیرد، در حالیکه فاصله ای متناسب نیز با مرکز حکومت در شهر و محلات داشت (اعتضادی، ۱۳۷۷، ۱۴-۱۶). دوره سوم: این دوره عمدتاً مربوط به خلافت عباسیان و تشکیل امپراطوری اسلامی در پهنه ای بس گسترده از جهان آن روزگاران است. پایان قرن اول ه. ق. همراه با ظهور حکومت عباسیان با یاری ایرانیان است. این دوره آغاز حکومت فرهنگی - سیاسی در کل امپراطوری به معنای عام و در ایران به معنای خاص آنست. در این زمان، از یکسوی قدرت سیاسی دولت از قدرت مذهبی آن جدا می‌گردد و قدرت سیاسی برتری خود را بر قدرت مذهبی اعمال می‌کند - که در دولت سامانی اینچنین بود - و از سوی دیگر نطفه فرهنگ اسلامی در ایران غرس می‌گردد. آنچه به مورد اول برمی‌گردد، جدایی کامل جامع از دارالاماره است و آنی که به مورد دوم اشاره دارد، شکل‌گیری مذهب شیعه در ایران است. بازگشت به مفاهیم سلطنت در دولت ساسانی سبب می‌گردد تا در نحوه نگرش به شهر تغییرات عمده ای رخ دهد. جامع به عنوان مکان اصلی اجتماعات مردمی بکلی خود را از حکومت جدا می‌کند و از صورت ساده و بی‌پیرایه دوره اول و تاحدودی دوره دوم خارج شده و از نظر شکلی (مورفولوژی) خود را از بافت پیرامونش متمایز می‌سازد. در این زمان هنوز شهر جایی است که مسجد جامع در آن واقع است و وجود جامع کماکان به عنوان حضور مستقیم دولت اسلامی است و تا زمانی که جامع تکون نیابد، به رغم انبوهی جمعیت و تمرکز فضایی مکان، شهر نامیده نمی‌شود (حبیبی، ۱۳۸۲، ۴۲-۴۶). در این دوره، مسجد جامع در مهمترین قسمت بازار قرار می‌گیرد و معمولاً راسته‌های مهم آن مانند راسته بزازان، سراج‌ها، زرگرها، صحافان و کتاب فروش‌ها و نیز مدارس در نزدیکی جامع بودند. در این دوره، با پیدایش مدارس و کتابخانه‌ها، که نخست این عناصر از ملحقات مساجد جامع و سپس عناصری

مستقل اما مرتبط با مساجد بودند. نیز در همین دوران است که به تاسی از الگوهای مکه و مدینه درهای مساجد شب و روز باز بود و اشاره می‌کنند که عده کسانی که وقت خود را در مسجد به سر می‌بردند کم نبود (اعتضادی، ۲۰). در این دوره، دیگر تکیه بر جامع نیست، بلکه از مساجد سخن به میان می‌آید، بدان معنا که نظام مساجد در شهر در حال شکل‌گیری است نه تنها وجود جامع. دوره چهارم: این دوره عمدتاً به ظهور دولت‌های قدرتمند محلی در دل امپراطوری بزرگ عباسی بازمی‌گردد. به رغم حضور خلیفه عباسی در این دوران و وجود ظاهری دولت متمرکز اسلامی، می‌باید از دولت‌های اسلامی نام برد. در این دوره شریعت اسلامی بنا به مصالح حکومت‌های محلی و منطقه‌ای، تغییرات عمده می‌یابد و بیش از پیش رنگ و بوی محلی و منطقه ای به خود می‌گیرد. چنین دگرگونی‌هایی است که در شکل و توزیع مساجد، تغییراتی بنیادین آشکار می‌شود. جامع و به تبع آن دیگر مساجد، بیش از آنکه محلی برای عبادت باشند، مکانی هستند برای خودنمایی حکومت‌ها. ظاهر پرشکوه و معماری‌های به یادماندنی، در ساخت مساجد نقشی اساسی می‌یابند. به تبع این دگرگونی، شهر نیز دچار تحولات بنیادین می‌گردد. محلات بر مبنای جدایی قومی و نژادی و فرهنگی و مذهبی و... برپا می‌شوند و هر محله مسجدی منحصر به خویش دارد. مسجد (مسجد محلات) و در جوار آن مدرسه، در این دوره مقر آن دسته از علما و مردمانی می‌گردد که با رجوع به صدر اسلام و پرداختن به امور مذهبی، علوم الهی و معارف اسلامی، به عنوان نهادهای ضد قدرت در مقابل حکومت‌های محلی به مبارزه می‌پردازند و در پی کسب قدرت سیاسی هستند. تشکیل دول اسلامی در این دوره و جدایی آرمان‌ها و وظایف مذهبی از اهداف سیاسی، شکل‌گیری محلات در خود، بیگانه از یکدیگر و همراه با روستاهای هم‌کیش، هم‌فرقه و هم‌نژاد و... سبب می‌گردد تا ملاک تعیین شهر، بر اساس داشتن جامع از بین رود. به بیان دیگر در این دوره هر شهری می‌باید جامع داشته باشد ولی هر جا که جامع داشت مقام و موقع شهری پیدا نمی‌کرد. در این دوره مسجد به عنوان مرکز عقیدتی - سیاسی نقش عمده‌ای پیدا کرده و در جوار خود مدارس و مکاتب عمده‌ای را ایجاد می‌کند. از جامعه الازهر در قاهره، جامعه الزیتون و تا مدارس نظامیه در ایران و... همه و همه مکان‌هایی می‌شوند برای تبلیغ و ترویج تفاسیر متفاوتی که دولت‌ها محلی و متفکرین وابسته به آنها از شریعت اسلامی دارند. در همین مدارس و مکاتب است که برای اولین بار دول اسلامی به نظریه پردازی و مشروعیت بخشیدن به خود می‌اندیشند (حبیبی، ۱۳۸۲، ۴۲-۴۶). در این دوره، الگوی مسجدالنبی که مرکز تحولات سیاسی - اجتماعی و اقتصادی - فرهنگی مدینه بود، از قرن سوم ه. ق. برای جامعه پیچیده مسلمین در تمدن اسلامی به شکل سه عنصر متمایز جامع، ارگ و بازار در پیوند با یکدیگر میدانی را پدید می‌آورد که موجبات اتصال کالبدی این سه را فراهم می‌کند و آن هم به گونه‌ای که در این میان مسجد، عنصر تعیین‌کننده بود. اهمیت برگزاری مراسم نماز جمعه موجب گردید که در آغاز در هر شهر تنها یک

شهری و واژگان و اصول و قواعد آن، کامل‌ترین تبلور اندیشه‌های مکتب اصفهان در شهرسازی است (حبیبی و اهری، ۱۳۷۷، ۲۵). از همین روست که مسجدی که در قلمرو مکتب اصفهان بنا نهاده می‌شود، همه مناسک حج را در کالبد مسجد متجلی می‌کند و نیز مبتنی بر هندسه‌ای شکل می‌گیرد که اگر نگوییم مقدس؛ هندسه‌ای پنهان است. که ریشه در اعداد رمزی و بار معنایی و نمادین آنها در تفکر مکتب اصفهان دارد و همینطور هر عنصر مسجد تلاشی است برای عینی کردن صورت مثالی موجود در عالم خیال (حبیبی و اهری، ۱۳۷۷، ۲۴).

مسجدی که در چارچوب مکتب اصفهان ساخته می‌شود؛ در دوره صفوی بار حکمت و اندیشه و هزارساله را در ساخت مسجدی مانند مسجد شیخ لطف الله به کار می‌گیرد و در دوره قاجار بار حکمت و اندیشه هزار و دویست ساله را در بنای مسجد آقا در کاشان به کار می‌بندد (حبیبی و اهری، ۱۳۷۷، ۲۴).

در این مکتب، تمام شهر بر مبنای یک نظم کیهانی مقدس بنا می‌شود، چنانچه در قالب این نظم مقدس، تمام مسجد رو به قبله ساخته شده‌اند. در مساجد بزرگ و دارای اهمیت در سطح شهری یا محله، تمام بدنه مسجد رو به قبله شکل گرفته است، نیز در مساجد دیگر (مانند مساجد موجود در بافت بازار و یا مسجد شیخ لطف الله در مجاورت میدان نقش جهان) که بنا با بدنه مجاور منطبق شده ولی فضای اصلی مسجد-شبستان اصلی- رو به قبله شکل گرفته و دسترسی به آن نیز در جهت قبله طراحی شده است (حبیبی و اهری، ۱۳۷۷، ۳۳). در این مکتب، مساجد غالباً نخستین عنصر از مجموعه بناهای شهری است، که در سطح محلات ساخته می‌شدند (حبیبی و اهری، ۱۳۷۷، ۲۵). در مکتب اصفهان مساجد بر حسب موقعیت و عملکردشان در مقیاس شهر، نیز نقشی که در حیات شهری عهده دار بودند به چهار گروه قابل تفکیک هستند:

۱. مساجدی که عملکردی در مقیاس شهر دارند و نه تنها محل برگزاری نماز و آیین‌های عبادی، بلکه انجام امور حکومتی، تشریفات، بارعام و... هستند. با توجه به این جایگاه، این گونه مساجد در مرکز ثقل شهر، در مجاورت کاخ‌های حکام و در کناره میدان اصلی شهر و متصل به بازار شکل می‌گرفتند. چنین مساجدی نه تنها در دو یا چند بدنه از بافت مجاور خود جدا می‌شدند، بلکه در بدنه‌ای که ورودی اصلی قرار می‌گیرد، حضور و موقعیت خود را در سطح شهر با تعیین کالبدی اعلام می‌کنند. مسجد جامع، مسجد امام، مسجد شیخ لطف الله و... از این گروه هستند. و در مسجد امام و مسجد شیخ لطف الله نکته جالب توجه نحوه تلفیق بدنه بازار دور میدان با فضای ورودی اصلی مسجد است که به ترتیبی دقیق تلفیق شده‌اند.

۲. مساجدی که در پیرامون محور اصلی و ساختار اصلی شالوده شهر قرار می‌گیرند. این مساجد، علاوه بر محل اقامه نماز، مکان تجمع و دیگر فعالیت‌های اجتماعی بوده است. در مجاورت این مساجد معمولاً بازار، سراها و کاروانسراها و حمام و... جای می‌گیرند.

۳. مساجدی که عملکرد اصلی آنها برگزاری نماز و آیین‌های

مسجد جامع بنا شود که منبر حکومت به آن تعلق داشت. این جامع به عنوان بزرگ‌ترین مسجد شهر، نقش مرکزی برای کلیه فعالیت‌های شهری را داشت، اما با توسعه و تعدد محلات، مساجد محله‌ای شکل گرفتند تا حدی که تعدد مساجد شهرهای بزرگ زبانزد بود چنانچه در سال ۱۰۱۲ میلادی در شهر قاهره قدیم یا فسطاط، ۸۳۰ مسجد وجود داشت و همچنین است در مورد بغداد که دارای ۲۷ هزار مسجد و محراب و اماکن متبرک بود، اما فقط دو جامع داشت، یکی سمت راست دجله و دیگری سمت چپ آن. مساجد بزرگ شهرهای پرجمعیت مسلمان نشین، محل انواع تجمع‌ها بود. از درس و بحث تا گپ زدن و کسب و پراکندن اخبار و حتی تجمع‌های شبانه، چنانچه در قرن چهارم ه. ق. در یک شب بیش از صد مجمع مختلف در مسجد جامع قاهره برقرار بوده است (اعتضادی، ۱۳۷۷، ۱۶).

۳. تکامل و اعتزاز-مکتب اصفهان

با به قدرت رسیدن دولت صفوی حیات عملی شیعی به اوج خود رسید. مکتب الهی اصفهان که جمع‌بندی از حکمت مشاعی و حکمت عشق سرخ سهروردی بود در چنین شرایطی امکان بروز و ظهور یافت و متفکرین و اندیشمندان بی‌شماری را در عرصه‌های مختلف فقه؛ تفسیر؛... و به ویژه حکمت و فلسفه عرضه داشت. سیر مشابهی در معماری و شهرسازی این دوران اتفاق افتاد و با جمع‌بندی سبک‌های پیشین مکتبی در عرصه معماری و شهرسازی به وجود آمد که مبتنی بر تفکر مکتب الهی اصفهان و در جستجوی پیاده کردن تعالیم آن در عرصه بنا و شهر بود. در حالیکه عالم مثال یکی از ارکان تفکر مکتب الهی اصفهان را تشکیل می‌داد مکتب اصفهان در معماری و شهرسازی در صد تحقق صورت مثالی و سرزمین خیال بر زمین بود. همان هدفی که هنرهای دیگر مانند نقاشی نیز دنبال می‌کردند. چنین تلاشی را در سطوح مختلف معماری و شهرسازی می‌توان مشاهده کرد از خانه و کاخ گرفته تا مدرسه و حمام و باغ و در این میان مسجد به عنوان اصلی‌ترین عنصر شهری و کانون تبلور برترین استعدادها و ذوق‌ها و بارزترین نمونه‌های عینیت بخشیدن به این تفکر را بیان می‌کند. بیانی در قالب خاص-مسجد- که پیامش پیام مکتب است (حبیبی و اهری، ۱۳۷۷).

با ظهور حکومت صفویه و بنا نهادن مکتب اصفهان، بر اهمیت مسجد به مراتب افزوده شده و مسجد مظهر آرمان‌های تشیع و عامل معرفی و ارائه آن نیز می‌گردد (حبیبی و اهری، ۱۳۷۷، ۲۴). بدین ترتیب مساجد به تعداد زیاد در سطح شهر ساخته شده و یا در محل مساجد قدیمی بازسازی می‌شوند. نه تنها در مقیاس شهر و مرکز آن، بلکه در هر محله و حتی کوچه. مسجد اغلب به تنهایی قرار می‌گیرد و گاه با عملکردهای دیگر تلفیق می‌شود، زمانی با مدرسه که کانون آموزش علوم است و به طور یکپارچه ساخته می‌شود، زمانی با امازاده و مدفن بزرگان ترکیب می‌شود. به هر رو به دلیل تنوع عملکردی، تنوع فضایی مسجد آن را از دیگر عناصر عمومی شهری متمایز و جایگاه آن را در زندگی شهری اعتلا می‌بخشد. در واقع مسجد رکن زندگی

هر فضا با نحوه تمرکز اجزایش، تعریفی خاص می یابد و هویتی مستقل (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۰۴). چنانچه در مجموعه های مراکز شهری از میدان نقش جهان گرفته تا مراکز محلات خرد، تمرکز اجزای فضا بر مسجد، آن را از سایرین متمایز و برجسته می کند و به تمام فضا، هویتی ویژه می بخشد.

• اصل تجمع: جمع شدن عناصر متفاوت در یک مکان خاص، مفهومی ویژه بدان مکان می بخشد؛ مفهومی که از چارچوب مکان خارج می شود و هویتی فضایی به مکان می بخشد (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۰۴). همان طور که ذکر شد، اصل تجمع با ساختن انواع خدمات عمومی و کاربریها مانند آب انبار، حمام، بازار، مسکن، کاروانسرا، قصر و... در مورد مساجد، کاملا رعایت می شده است.

• اصل قلمرو: هر فضای شهری از ذره فضا (مسکن) تا کلان فضا (شهر) حریمی خاص خود دارد؛ حریمی که دامنه درون را به بیرون می گستراند و محدوده ای خاص از بیرون را متعلق درون می کند. قلمرو مکانی می شود که در آن، خودی و بیگانه بازشناخته می شود (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۰۵). همان طور که هر یک از انواع مساجد در مکتب اصفهان، معرفی شدند، بر حسب قلمرو تحت پوشش، نقش می پذیرند.

• اصل سادگی: خلوص و صراحت فضای شهری-مکان، درک سریع آن را فراهم می آورد. بی پیرایگی فضای شهر، آشنایی با آن را ممکن می سازد (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۰۵). همان طور که بنای کالبدی مساجد در این مکتب از چنان سادگی و خلوص برخوردار است که هیچ کس با دیدن کالبد مسجد، هیچ تصور دیگری جز مسجد و عبادتگاه مومنین ندارد.

ویژگی های جایگاه مسجد در شهر

بر اساس پژوهش های انجام شده در چند دهه گذشته در خصوص مساجد و موقعیت آن از نظر شهرسازی در شهرهای کهن و محلات با ارزش گذشته که اجمالی از آن در این فصل بیان گشت، ویژگی های زیر را می توان در خصوص جایگاه مسجد در شهر برشمرد:

• در بافت های قدیمی شهرها به ویژه شهرهای حاشیه کویری ایران، شهر از یک مجموعه به هم پیوسته و با یک تقسیمات کالبدی مشخص بوجود آمده و محلات دارای مرکز با تعریف مشخص بوده اند. مرکز محله با عناصری شاخص همچون مسجد، حسینیه یا میدانچه نمود یافته، تمامی راههای اصلی و فرعی به این مرکز منتهی می شده است (توسلی، ۱۳۸۱، ۱۰).

• وسعت محله و موقعیت قرارگیری مساجد به شکلی بوده که مجموعه محله را تحت پوشش قرار داده، امکان بهره گیری از مسجد از تمامی نقاط محله به راحتی امکان پذیر بوده است (توسلی، ۱۳۸۱، ۱۰).

• مسجد جامع به عنوان نماد شهر و با عملکردهای مختلف، مجموعه شهر را تحت تاثیر خود قرار داده و سیمای آن با تفاوتی

عبادی است و محدوده عملکرد آنها به کوچه های مسکونی محدود می شود - که تعداد بسیاری از این نوع مساجد در شهر وجود دارند - و یا گذر بازار که صنف خاصی را در خود جای داده است - که به تبع عملکرد آن فقط در بازار موجود است - محدود می شود. این مساجد با یک ورودی تعریف شده و بخصوص وقتی در بدنه بازار جای می گرفت، فاقد فضای باز داخلی نیز هست.

۴. مساجدی که عملکرد آنها در مقیاس محله یا بخشی از شهر است و علاوه بر برگزاری نماز غالباً بخشی از مجموعه وسیع تر مدرسه؛ بازارچه و... هستند. این مساجد در مراکز محلات و در مجاورت راسته های اصلی قرار گرفته و نقش مرکز فعالیت ها را در سطح محله ایفا می کردند. عناصر خدماتی پیرامون مسجد، موقوفه های متعلق به مسجد بود که امور مسجد با پشتوانه آن اداره می شد (حبیبی و اهری، ۱۳۷۷، ۳۰ و ۳۱).

روش ساخت

همه مساجد رو به قبله ساخته شده اند. در مساجد بزرگ و دارای اهمیت در سطح شهر یا محله، کل بدنه مسجد در جهت قبله شکل گرفته است. در مساجد دیگر مثل مساجد موجود در بافت بازار و یا مسجد امام و مسجد شیخ لطف الله در مجاورت میدان نقش جهان، کل بنا با بافت مجاور منطبق شده است اما دسترسی به فضاهای اصلی مسجد با چرخش صورت می گیرد، به ترتیبی که فضاهای اصلی در راستای قبله جهت می یابند (حبیبی و اهری، ۱۳۷۷، ۳۳).

مکتب اصفهان در شهرسازی از دستور و قواعد مشخص و معینی تبعیت می کند، که مساجد نیز نه تنها از آن مستثنی نیستند، بلکه به دلیل اهمیت و جایگاه و نقش محوری که در زندگی شهری ایفا می کردند، این قواعد و دستور در مورد آنها از صراحت و شفافیت برخوردار است. به عبارت دیگر مساجد محل بروز تام این قواعد و دستور هستند که به برخی از آنها که مناسب با موضوع است، اشاره می گردد:

• اصل سلسله مراتب: بر مبنای این اصل هیچ فضای شهری، بنا یا معماری را نمی توان فارغ از مراتب بالاتر و پایین تر خود ایجاد کرد. هر فضای شهری، بنا یا معماری در مکان سلسله مراتبی خود است که معنا می یابد و خارج از آن تعریف، تهی می شود (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۰۴). چنانچه در همین بخش ذکر گردید، مساجد در مکتب اصفهان کاملاً از یک سلسله مراتب روشن چهارگانه تبعیت می کنند و منطبق با آن بنا می شوند.

• اصل وحدت: فضای شهری در انقباض خود و در مجموعه همبسته اش، روی به وحدت دارد و یکسانی، روی به ترکیب دارد و همگونی. در این جمع شدن و همسانی، کل دارای هویتی یگانه می شود و شخصیتی خاص ارائه می دهد (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۰۴). چنانچه مساجد نیز با مجموعه پیرامون خویش، عروج انسان را نداعی می کنند.

• اصل تمرکز: متمرکز شدن فضاهای شهری، اعتباری خاص بدان می بخشد و آن را از دیگر فضاها متمایز می کند. بدین ترتیب

۲. مسجد محلی:

• مساجدی که عملکرد اصلی آنها برگزاری نماز و آئین‌های عبادی است و تنها از طریق یک ورودی در معبر مجاور قابل دسترسی بود (طالبی، ۱۳۸۰، ۱۸۲).

• این نوع مساجد، محدوده فعالیت شان مقیاس محلی است و از نظر عرصه و اعیانی نیز با توجه به جمعیت محله در نظر گرفته می‌شوند (قرائتی و دیگران، ۱۳۷۸، ۴۲۲).

• این نوع مساجد، وسعتی در حدود ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ مترمربع داشته، دارای شبستان، برای مجالس، وضوخانه، آشپزخانه و... هستند (حاج سقظی، ۱۳۸۰، ۲۲۴).

• در این مساجد، با وجه مردمی تری از دین روبرو هستیم، یک نوع صمیمیت خانوادگی و یک خلوص بی‌پیرایه و بدون ترس در آن جاری است. وجه عمده این مساجد مردم هستند و نه جلوه‌گری کاشیکاری‌ها و تزئینات گچی و آجری و... مردم بخشی از زندگی روزمره شان را در اینجا می‌گذرانند (توکلی و جواد زاده، ۱۳۸۰، ۱۷۷).

• مساجد محلی که دارای کارایی در حوزه محله بوده و در هر سه نوبت نمازهای صبح، ظهر و عصر و مغرب و عشاء رونق دارد (الهی زاده، ۸۵).

۳. مسجد منطقه (مسجد جامع):

• مساجدی که عملکرد آنها در مقیاس محله یا بخشی از شهر بود و علاوه بر برگزاری نماز، بیشتر بخشی از مجموعه وسیع تر مدرسه، بازارچه و... بود. در این حالت مسجد در چند بدنه، کالبد خود را در معبر مجاور می‌نمایاند و دارای چند ورودی بود (طالبی، ۱۳۸۰، ۱۸۳).

• این نوع مساجد که با تقسیمات جدید شهری تطبیق دارند، بعضاً در تمام شهر نیز شناخته شده هستند، هرچند که مخاطبان این نوع مساجد معمولاً اهالی یک منطقه هستند ولی در مراسم‌های خاص فراتر از یک منطقه را پوشش می‌دهد (قرائتی و دیگران، ۱۳۷۸، ۴۲۲).

• این نوع مساجد وسعتی بیش از مساجد محلی داشته و محدوده بیشتری را تحت پوشش قرار می‌دهند (حاج سقظی، ۱۳۸۰، ۲۲۴).

• مساجد منطقه‌ای که محدوده منطقه مطبوع خود را تحت پوشش قرار می‌دهند در شبها رونق بسیار داشته و محل آموزش‌های مستمر دینی و تعاملات و سازماندهی فعالیت‌های اجتماعی هستند و در ایام و مناسبت‌های خاص نیز دارای عملکرد سیاسی مانند انتخابات و... در منطقه تحت پوشش خود ایفا می‌کنند. همچنین در این مساجد اعتکاف انجام می‌پذیرد (الهی زاده، ۸۵).

۴. مسجد جمعه (مصلی):

• مساجدی که عملکردی در مقیاس شهر دارند و نه تنها محل برگزاری نماز و آئین‌های عبادی، بلکه انجام شدن امور حکومتی، تشریفات و بارعام هستند. چنین مساجدی نه تنها در دویا چند بدنه از بافت مجاور خود جدا می‌شوند، بلکه در بدنه‌ای که ورودی اصلی قرار گرفته، حضور موقعیت خود را در سطح شهر با تعیین کالبدی اعلام می‌کنند (طالبی، ۱۳۸۰، ۱۸۲). در هر

اساسی نسبت به دیگر مساجد، عظمت و شکوه بنا را جلوه‌گر می‌سازد (حبیبی، ۱۳۸۲، ۴۲).

• نمای مسجد به عنوان ویژگی بصری مهم در درک فضای شهری و ادراک مکان شناخته شده، در خوانایی و هویت بخشی به شهری محلات شهری نقش اساسی داشته‌اند (حقیقت نائینی، ۱۳۷۹).

• سازگاری مساجد شهری با کاربری‌های پیرامون آن از جمله ویژگی‌های مهم استقرار مساجد در محلات قدیمی محسوب می‌شده، به طوری که مسجد ضمن قرارگیری در کنار حسینیه، یا معبر یا فضای باز اصلی محله با کاربری‌هایی همچون حسینیه، حمام، مسجد و آب انبار هم جوار بوده است (حبیبی، ۱۳۸۲، ۴۹).

• رعایت مقیاس و تناسب از جمله خصوصیات بارزی است که بسیاری از مساجد در بافت‌های قدیمی واجد آن بوده‌اند (حقیقت نائینی، ۱۳۷۹).

• وجود گنبد و مناره در مساجد جامع و بسیاری از مساجد محله‌ای به عنوان یک نشانه و عامل شناساندن این مراکز مورد تایید و تاکید بوده است (اعتضادی، ۱۳۷۷، ۱۰).

• مساجد محله‌ای از ویژگی سادگی در سیمای بیرونی آن بهره برده، با بافت پیرامونی خود پیوستگی کامل داشته‌اند (توکلی و دیگران، ۱۳۷۹، ۱۷۷، ۱۷۶).

• مسجد در تمامی عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی شهروندان حضور دارند و نقش پیشرو در تمام نظامات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و کالبدی را دارا هستند.

• مسجد مهم‌ترین و با ارزش‌ترین عنصر شهری است که مدنیت شهر را سبب می‌شود و در آن خود به تکامل می‌رسد.

انواع مسجد و عملکرد هر یک در شهر

به طور کلی مساجد موجود را از نظر محل قرارگیری به ترتیب زیر دسته‌بندی می‌شود:

الف) مساجد شهری (ب) مساجد بین راهی (ج) مساجد روستایی (قرائتی و دیگران، ۱۳۷۸، ۴۲۲) که در اینجا تنها مساجد شهری مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف) مساجد شهری: شامل کلیه مساجد واقع در شهر می‌شوند که این مساجد برحسب موقعیت و عملکردشان در مقیاس شهر، ارتباط و اتصال متفاوتی با بدنه پیرامون خود داشتند (طالبی، ۱۳۸۰، ۱۸۲). و از این نظر به سه گروه منقسم می‌شوند.

۱. مسجد سرکوجه (نمازخانه):

• مساجد کوچک و ساده‌ای که نمونه آنها در محلات قدیمی به ندرت دیده می‌شود و محدود به ۳۰ تا ۵۰ متر مربع (حاج سقظی، ۱۳۸۰، ۲۲۴).

• این مساجد، کوچکتر از مساجد محله هستند که معمولاً از طریق وقف افراد خیر احداث شده‌اند و در عین کوچکی و سادگی از روحانیت مطلوبی برخوردارند (قرائتی و دیگران، ۱۳۷۸، ۴۲۲).

• این گونه مساجد برای بناهایی که ساکنین یا شاغلین آن نمی‌توانند به مسجد آیند، کاربرد مناسب دارد، مانند ادارات و مجتمع‌های مسکونی (الهی زاده، ۸۵).

۱. شاخص‌های برنامه‌ریزی

• اصل سلسله مراتب: این اصل که بر قانون جاری در تمام هستی مستند بر آیه ۲۶ سوره مبارکه حجر "وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ" - خزائن همه چیز، تنها نزد ماست؛ ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی‌کنیم" استوار است. این آیه شریفه متضمن وجود نظامی از مراتب در تمام آفرینش است و بر همین مبناست که بنا یا معماری را نمی‌توان فارغ از مراتب بالاتر و پایین تر خود ایجاد کرد. هر فضای شهری، بنا یا معماری در مکان سلسله مراتبی خود است که معنا می‌یابد و خارج از آن تعریف، تهی می‌شود. بر این اساس همان طور که ذکر گردید سلسله مراتب مساجد به صورت: مسجد جمعه یا مصلی، مسجد منطقه‌ای (مسجد جامع)، مسجد محله و مسجد در واحدهای همسایگی (مسجد راسته ای از بازار) یا نمازخانه ادارات و ساختمان‌های مسکونی بلندمرتبه.

• اصل مرکزیت مکانی: این اصل گویای آنست که بر اساس رهنمود "وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا... بقره، ۱۲- و (به خاطر بیاورید) هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و تجمع و امن و امان برای مردم قرار دادیم" مسجد در شهر، منطقه، محله و... در مجموعه مرکز-محل رجوع امور-شهر، منطقه یا محله قرار گیرد. (معیار کارایی)

• اصل تجمع: جمع شدن عناصر متفاوت در یک مکان خاص، مفهومی ویژه بدان مکان می‌بخشد؛ مفهومی که از چارچوب مکان خارج می‌شود و هویتی فضایی به مکان می‌بخشد. به همین سبب باید در مجموعه مراکز و فضاهای شهری، عناصر و کاربری‌های متفاوت و حتی ضد، بر محور مسجد گرد هم آیند. چنانچه ذکر شد، عناصر متناسب با این تعریف به شرح زیر است: ۱. مساجد جمعه که در مرکز شهر واقع هستند محل اتخاذ تصمیم‌های مهم برای اداره شهر و حل مشکلات اساسی مردم هستند، بنابراین به نظر می‌رسد که حضور نهادهای حکومت‌های محلی مانند: شهرداری‌ها، شوراهای شهر، فرمانداری و بخش اداری و استانداری‌ها و مراجع قضایی لازم می‌آید. چنانچه حضور نهادهای عمده اقتصادی، مانند بورس و بازار نیز بر کیفیت این فضا می‌افزاید، چنانچه حضور حوزه‌های علمیه نیز مناسب است. میدان نقش جهان اصفهان، نمونه جاودان این تلفیق است، بخصوص که در این مجموعه رعایت اصل تضاد و ترکیب در تقابل مظاهر دنیا (بازار و عالی قاپو) با مظاهر آخرت (مساجد شیخ و امام) نمایان است.

۲. مساجد منطقه‌ای (جامع) که در مراکز شهری واقع هستند، محل تعاملات فرهنگی و خدمات اداری و درمانی هستند، بنابراین وجود شهرداری مناطق، شوراهای حل اختلاف، مراکز ورزشی-تفریحی، مراکز فرهنگی و فرهنگسراها، مراکز آموزشی متوسطه و مراکز خرید، ادارات آب و برق و... منطقه‌ای و... مناسب حضور در این مراکز هستند. مساجد منطقه‌ای محل تجمع اهالی منطقه در شب‌ها و کسبه منطقه در روزهاست که امور مربوط به اداره منطقه در آن بررسی می‌گردد.

۳. مساجد محله‌ای که در مراکز محلات واقع هستند، مرکز

شهر یک مسجد جمعه وجود دارد که شایسته است بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مسجد شهر باشد (قرائتی و دیگران، ۱۳۷۸، ۴۲۲).

• در مساجد جمعه با وجهی از پرستش روبرو هستیم که علاوه بر احساس درونی و عشق خالصانه بار ابهت یک دین و بار سیاسی یک حکومت را به دنبال دارد (توکلی و جواد زاده، ۱۳۸۰، ۱۷۷).

• این مساجد که در مرکز شهر قرار داشته و در هر شهر یکتاست، مخصوص نماز اعیاد چهارگانه مسلمین (عید جمعه، عید فطر، عید قربان و عید غدیر) است که در زمان وجود حکومت اسلامی، عظمت و مجد درخور ستایشی را به شهر تحت پوشش می‌بخشد (الهی زاده، ۸۵).

البته علاوه بر مساجد فوق گروه دیگری از مساجد در اماکنی مانند: زیارتگاه‌ها، قبرستان‌ها، دانشگاه‌ها، پادگان‌ها، کارخانه‌ها، پارک‌ها و... احداث می‌شوند.

با توجه به آنچه گفته شد، وسعت عملکرد انواع مساجد در شهر در ماتریسی با نام ماتریس ظرفیت مسجد ذکر می‌گردد.

اصول و معیارهای مکانی مسجد

این بخش، جمع بندی آنچه در بالا ذکر شد را در قالب قواعد و معیارهای مکانی مسجد در سه سطح شاخص‌های برنامه‌ریزی، طراحی شهری و ملاحظات اجرایی ارائه می‌دهد. در ابتدا باید به این نکته توجه داشت که آرمان جامعه اسلامی، پیوند آسمان و زمین و ساختن بهشتی برپهنه زمین است که در آن انسانها پس از طی مراحل قانونمند به اوج کمال خود در سایه عبودیت یکتای بی همتا در ساحت معنوی و مادی که همان حیات طیبه است، دست یابند. در این میان و با توجه به هدف ذکر شده برای انسان، عبادت-که ارتباط بی واسطه مخلوق با خالق است- برترین عمل وی می‌باشد، شایسته است در فضای کالبدی نیز مسجد که عهده دار تامین فضای کالبدی این مهم-عبادت فردی و جمعی انسان- است، برترین عنصر کالبدی باشد.

در ذیل قواعد و معیارهای مکانی مسجد و در برخی موارد نیز معیارهایی برای طراحی مسجد در مجموعه فضاهای شهری به عنوان نتیجه گیری ارائه شده است.

	مسجد جامع (جمعه)	مسجد منطقه (جامع مصطلح)	مسجد محله	مساجد کوچک (بازار، بافت‌های مسکونی یا نمازخانه)
شهر	●			
منطقه		●		
محله			●	
زیر محله				●

ماتریس ظرفیت مسجد.

منتسب به پروردگار که نماد تذلل در پیشگاه خداوندی است.
 ۲. قلمرو کاربری: این معیار که مبتنی بر رهنمود "وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ... انفال، ۳۴- چرا خدا آنها را مجازات نکند، با اینکه از عبادت موحدان در کنار مسجد الحرام جلوگیری می‌کنند... " و "وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا... بقره، ۱۱۴- کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟! " می‌باشد، تاکید بر وجود فعالیت‌هایی در اطراف مسجد می‌کند که با عملکرد مسجد سازگارند. چرا که این ناسازگاری فعالیت‌ها دست کم موجب فرسودگی عملکردی مسجد خواهد شد که می‌توان آن را از مصادیق صد و منع مسجد به شمار آورد. حاصل این اصل در ماتریس سازگاری تبیین شده است.

• اصل ورود و خروج: این اصل گویای آنست که در میادی ورودی و خروجی شهرها، فضایی باید برای مسجد در نظر گرفته شود. چنانچه در سوره اسراء آغاز و پایان سفر نبی مکرم اسلام را به معراج، از مسجدی به مسجد دیگر بیان کرد که: سَبَّحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ- پاك و منزه است خدایی که بنده اش را در يك شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش را پرپرکت ساخته‌ایم - برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست» اسراء-۱، و این بدان معناست که ورود و خروج مومنانه از مبدا و به مقصد مسجد است.

• اصل میزان زمین مورد نیاز: مبتنی بر این اصل، معیار فضای مورد نیاز مساجد به شرح زیر است:
 * جمعیتی بالغ که وارد مسجد شود.
 ** جمعیتی غالباً در مسجد حضور می‌یابند.
 *** ۰,۶ مترمربع فضای مورد نیاز برای نماز و ۰,۲ مترمربع برای فضاهای خدماتی.

**** از آنجا که براساس قوانین شرع مقدس در هنگام حضور امام معصوم (ع) نمازهای جمعه و عیدین فطر و قربان که در این مسجد اقامه می‌گردد بر همه مکلفین واجب است، لذا جمعیت اهل مسجد (ج۲) برابر با جمعیت مخاطب مسجد (ج۱) در نظر گرفته شده است.^۲

تعاملات اجتماعی مردم محل و کسبه آن هستند که مجاورت فضاهای سبز و پارک‌های محلی، کتابخانه‌ها، مدارس و مراکز خرید روزانه مناسب به نظر می‌رسد.

• اصل دسترسی: مسجد در قلمرو تحت پوشش نمازگزاران خود باید به نحوی در دسترس باشد که به محض شنیدن صدای اذان بتوان برای نماز اول وقت در مسجد حاضر شد، در مساجد محلات فاصله پیاده معیار دسترسی است و در مساجد منطقه ای دسترسی با وسایل نقلیه با در نظر گرفتن سرعت طرح محورهای دسترسی. به عبارت دیگر فاصله نزدیک‌ترین مسجد از هر واحد مسکونی باید حداکثر ۲۵۰ متر باشد. (معیار آسایش) چنانچه فرمود: "يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِن يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ- جمعه، ۹- ای مومنین! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر بدانید " و چنانچه ذکر شد اجابت این فرمان الهی در شهرسازی به معنای برنامه‌ریزی و طراحی شهر به گونه‌ای است که دسترسی به مسجد سهل و آسان باشد.

• اصل قلمرو: هر فضای شهری از کوچک‌ترین فضا (مسکن) تا کلان فضا (شهر) حریمی خاص خود دارد؛ حریمی که قلمرو درون را به بیرون متصل و محدوده ای خاص از برون را متعلق درون می‌کند. قلمرو، فضایی است که در آن، آشنا از بیگانه شناخته می‌شود، در این میان مسجد دست کم دارای قلمروی سه گانه است که عبارتند از: قلمرو تقرب الهی که در شبستان روی می‌دهد، قلمرو شبستان که با ساختمان مسجد معادل است که از آن به حرم مسجد نیز نام برده می‌شود و قلمرو پایانی، فضای پیرامون ساختمان مسجد است که از آن به حريم مسجد نیز نام برده می‌شود. به بخشی از قلمروهای اساسی مسجد در زیر اشاره می‌شود:

۱. قلمرو پیاده: این قلمرو که مبتنی بر رهنمود "إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَأَخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى- طه، ۱۲- من پروردگار توام! کفشهایت را بیرون آر، که تو در سرزمین مقدس «طوی» هستی " تاکید بر وجود فضایی در اطراف مسجد دارد که در این فضا دسترسی پیاده اولویت دارد که عملکرد آن، فضایی مخصوص تفکر و ابراز احترام به مسجد و خشوع در درگاه خانه

نوع مسجد	جمعیت مخاطب مسجد (ج۱)*	جمعیت اهل مسجد (ج۲)**	فضای مورد نیاز هر فرد در مسجد (ف)***	سطح زمین مسجد (س)	سطح مسقف
۱ مسجد محله	۷۰٪ جمعیت محله	۶۰٪ جمعیت مخاطب (ج۱)* (۶۰٪)	۰,۸۰ مترمربع	۲ ج* ۲	۰,۵* س
۲ مسجد جامع (منطقه)	۷۰٪ جمعیت منطقه	۵۰٪ جمعیت مخاطب (ج۱)* (۵۰٪)	۰,۸۰ مترمربع	۲ ج* ۲	۰,۲۵* س
۳ مسجد جمعه (مصلی)	۷۰٪ جمعیت شهر	جمعیت مخاطب مسجد (ج۱)***	۰,۸۰ مترمربع	۲ ج* ۲ ۷۰٪	۱۰٪ س

اصل میزان زمین مورد نیاز مساجد.

۲. شاخص های طراحی شهری

● اصل وحدت: فضای شهری در مقیاس کلی خود در مجموعه همبسته اش، روی به وحدت دارد و یکسانی، در این وحدت کل دارای هویتی یگانه می شود و شخصیتی خاص ارائه می دهد. در شهر اسلامی این وحدت چیزی جز توحید و بندگی نیست که در مقام بیان کالبدی، مسجد عهده دار بیان این مفهوم است، لذا در فضاهای شهری باید تناسبی برقرار کرد تا این وحدت با محوریت مسجد بوجود آید. چنانچه فرمود: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا... آل عمران، ۹۶ - و همگی به ريسمان الهی چنگ زیند و پراکنده نشودید...» همچنان که علاوه دعوت بروحدهت، محور وحدت را نیز متذکر شد و از تفرقه و پراکندگی نهی فرمود.

● اصل تمرکز: متمرکز شدن فضاهای شهری، اعتباری خاص را موجب می شود و آن را از دیگر فضاها متمایز می کند. بدین ترتیب هر فضا با نحوه تمرکز اجزایش، تعریفی خاص می یابد و هویتی مستقل. این تمرکز در مجموعه فضاهای شهری در شهرهای اسلامی بر مسجد متوجه است. چنانچه در سوره حج فرمود: «إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (۲۶) - به خاطر بیاور) زمانی را که جای خانه (کعبه) را برای ابراهیم آماده ساختیم (تا خانه را بنا کند؛ و به او گفتیم: چیزی را همتای من قرار مده! و خانه ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجود کنندگان (از آلودگی بتها و از هر گونه آلودگی) پاک ساز» و بیان کالبدی این اصل به معنای آنست که در فضای شهری عناصر کالبدی اطراف مسجد نباید بگونه ای طراحی و احداث گردد که تمرکز بر مسجد را در فضای شهری را متاثر سازد چرا که در این آیه شریفه از شرک در برابر پروردگار نهی شده است.

● اصل قبله: براساس دستورات شفاف قرآن کریم، تلاش بر آن باشد که مجموعه بنای مسجد یا دست کم شبستان ها رو به قبله باشد چنانچه رعایت این موضوع در تمرکز نمازگزاران موثر است. همانطور که در سوره بقره فرمود: «وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَفِيلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۱۴۹) - از هر جا (و از هر شهر و نقطه ای) خارج شدی، (به هنگام نماز)، روی خود را به جانب «مسجد الحرام» کن! این دستور حقی از طرف پروردگار توست! و خداوند، از آنچه انجام می دهید، غافل نیست»

● اصل قلمرو: مسجد دست کم دارای قلمروی سه گانه است

که عبارتند از: قلمرو تقرب الهی که در شبستان روی می دهد، قلمرو شبستان که با ساختمان مسجد معادل است که از آن به حرم مسجد نیز نام برده می شود و قلمرو پایانی، فضای پیرامون ساختمان مسجد است که از آن به حريم مسجد نیز نام برده می شود. به قلمروی بصری مسجد در زیر اشاره می شود:

● قلمرو بصری: شاخص اخیر مبتنی بر رهنمود "... أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ... نور، ۳۶ - خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند؛ خانه هایی که نام خدا در آنها برده می شود، و صبح و شام در آنها تسبیح او می گویند... تا کید بر وجود فضایی است اطراف مسجد که تحت تسلط کالبدی مسجد بوده و تقویت کننده جنبه های بصری آن است؛ چرا که اذن پروردگار متعال در خصوص مرتفع کردن آن مفید امر و حصر در قیاس با اطراف مسجد است. مانند تمام شهر یزد برای مسجد جامع یزد یا میدان نقش جهان برای مسجد شیخ، چنانچه در سوره اعراف فرمود: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعْوَدُونَ (۲۹) - بگو: «پروردگارم امر به عدالت کرده است؛ و توجّه خویش را در نزد مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید -» رعایت حریم و قلمرو بصری مسجد از مصادیق اقامه توجه در نزد مسجد است که در این آیه بدان امر شده است.

● اصل سادگی: خلوص و صراحت فضای شهری-مکان، درک سریع آن را فراهم می آورد. بی پیرایگی فضای شهر، آشنایی با آن را ممکن می سازد. بنابراین باید تلاش شود که در بنای مسجد از شکل ها و فضاهای ساده هندسی استفاده شود تا تشخیص آن به سادگی صورت پذیرد.

● اصل نخستین بنا: براساس این اصل، مبتنی بر رهنمود "إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ - آل عمران، ۹۶ - نخستین خانه ای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است، که پر برکت، و مایه هدایت جهانیان است" پس از مکانیابی شهرها، مشخص شدن حدود مناطق و محله ها، اولین بنای شهر، منطقه، محله و... مسجد آن است- هر چند که بنای آن کامل نباشد و بتدریج کامل شود ولی در هر حال باید تمام و نمازگزاران را محافظ باشد چنانچه باید در مراحل تکمیل در اولویت نسبت به سایر بناها قرارگیرد- که در آغاز مورد استفاده عوامل دست اندرکار ساخت شهر خواهد بود و سپس در خدمت ساکنان شهر قرار خواهد گرفت.

نتیجه

ساخت آن به کار رفته است آنچنان که امروزه یکی از منابع اصلی شناخت و سنجش میزان بالندگی سبک ها و مکاتب مختلف در طول تاریخ از پیدایش تا حال می باشد. اما همانطور که مشخص شد عدم توجه به این بنای شاخص شهرهای اسلامی و کارکرد منحصر به فرد آن در فرآیند برنامه ریزی مدرن برای توسعه های کالبدی، اجتماعی-فرهنگی و حتی اقتصادی موجب افول

چنانچه مشاهده شد، مسجد در سیر تحول خود از تکون تا تحول و تثبیت تا تکامل نقش محوری در تمام سطوح نظام شهری از شهر تا محله و واحد همسایگی داشته است، همچنین این نقش بارز نه تنها در مکانگرایی که در جزئیات اجرایی نیز کاملاً مشهود است، چنانچه زیباترین و خلاقانه ترین روش ها از شهرسازی تا معماری، کاشی کاری تا منبت کاری و... در

را داشته است، اشاره کرد که با این توصیف مسجد مهمترین و با ارزشترین عنصر شهری است که مدنیت شهر را سبب میشود و در شهر خود به تکامل میرسد. در شهرهایی که از یک مجموعه به هم پیوسته و با یک تقسیمات کالبدی مشخص بوجود آمده و محلات دارای مرکز با تعریف مشخص بوده‌اند، مرکز محله با عناصری شاخص مانند مسجد، حسینیه یا میداچنه نمود یافته، تمامی راههای اصلی و فرعی به این مرکز منتهی می‌شده است. وسعت محله و موقعیت قرارگیری مساجد به شکلی بوده که مجموعه محله را تحت پوشش قرار داده، امکان بهره‌گیری از مسجد از تمامی نقاط محله به راحتی امکان‌پذیر بوده است. به علاوه آنکه مکانیابی و ساخت مساجد از ظهور اسلام از قواعد و اصول خاص در هر دوره پیروی می‌کرده است. این معیارها گاه تلویحی و گاه کاملاً بارز و شفاف است.

با بررسی متون شهرسازی برای شناخت معیارها و ابزارهای شهرسازی برای مکانیابی بهینه عملکردهای شهری، معیارهای مکانی در کاربری زمین به عنوان استاندارد معرفی شد که با آن امکان بهینه یک کاربری در شهر مورد سنجش قرار گیرد. مشخصات محلی و احتیاجات ساکنان و نهادهای مستقر در شهر، اساس تعیین معیارهای مکانی کاربری زمین شهری به شمار می‌روند. براین اساس شش معیار کلی سازگاری، آسایش (ظرفیت)، کارایی، مطلوبیت، سلامتی و ایمنی طرح شده است.

بکارگیری منابع اسلامی با تاکید بر قرآن کریم و همچنین مصاحبه با کارشناسان دینی امکان تدوین اصول و معیارهای مکانیابی مسجد را فراهم می‌کند. با تحلیل عملکرد انواع مساجد در شهر، نمازخانه (مسجد کوچک)، مسجد محلی، مسجد جامع و مصلی (مسجد جمعه) به عنوان سطوح مساجد در شهر، اصول سلسله مراتب، مرکزیت، قلمرو، دسترسی، تجمع، قبله، وحدت، تمرکز، تفوق و سادگی و اولین بنا به عنوان اصول و قواعد مکانیابی مسجد مورد تایید قرار می‌گیرد.

جایگاه و نقش مسجد در توسعه‌های اخیر مجتمع‌های زیستی بخصوص شهرهای بزرگ شده است. چنانچه در گذشته یکی از شاخص‌های بارز ادراک و شناخت محلات مسکونی و یا حتی مراکز تجاری-راسته‌های بازار- هم برای ساکنان و مجاوران و هم برای عابران، مسجد متعلق به آن بوده است ولی اکنون برخی محلات و یا مراکز تجاری که در توسعه‌های مدرن تکون یافته‌اند یا فاقد مسجد هستند و یا مسجد فاقد نقش محوری در آنهاست. پژوهش حاضر علت این امر را عدم تدوین ضوابط و معیارهای مکانی مدون در نظام برنامه ریزی فعلی می‌داند چنانچه برای فعالیت‌های گوناگون شهری از مراکز خرید تا بوستان‌ها و پارک‌ها و مدارس و سازمان‌ها و کارخانه‌ها تا مراکز درمانی در سطوح مختلف برنامه ریزی شهری و روستایی و حتی ملی و منطقه ای ضوابط مشخص از مکانیابی تا اجرا برپایه مطالعات و پژوهش‌های تدوین شده است ولی در این بین توجه شایانی به مسجد نشده است. از این رو پژوهش حاضر از یک سو تلاش خود را مصروف در شناخت انواع مسجد و کیفیت ارتباط آنها در شهر کرد و از سوی دیگر در صدد تدوین معیارها و شاخص‌های شهرسازی مسجد برآمد. ماحصل این بعد ارائه نظام مساجد شهری از مسجد جمعه یا مصلی تا مساجد واحدهای همسایگی و بازتعریف کارکرد و ارتباط آنها با یکدیگر بود و در بعد دیگر تدوین معیارها و شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری و ملاحظات اجرایی در ساخت مساجد بوده است.

این مقاله به هدف تدوین اصول و قواعد مکانیابی مسجد در کاربری زمین شهری نقش عملکردی و کیفیت تحول مسجد را در شهرهای قلمرو حکومت اسلامی و از پیدایش آن در هجرت پیامبر به مدینه بررسی و به نتایج مشخصی دست یافته است. از جمله می‌توان به مسجد به عنوان پدیده‌ای که در تمامی عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی شهروندان حضور داشته و نقش پیشرو در تمام نظامات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و کالبدی

پی‌نوشت‌ها

به آن شده که فرزندان را از این سنین به وظایف الهی خویش متوجه ساخت، در نتیجه حدود ۷۰٪ از جمعیت ایران در زمره مکلفین و مخاطبین مسجد(ج) قرار می‌گیرند.

** جمعیت اهل مسجد(ج): از میان جمعیت مخاطب مسجد(ج) ۱) بالحاظ عذرهای مختلف برای عدم حضور در مسجد، ۶۰٪ جمعیت مخاطب(ج) را می‌توان به عنوان متوسط جمعیتی که به مسجد می‌آیند ذکر کرد (جمعیت اهل مسجد(ج) = ۶۰٪ * ۱) = ۰.۶۰. در محاسبه جمعیت اهل مسجد(ج) ۲) توجه به نوع مسجد و احکام ورود به مسجد و احکام خاص مرتب بر آن و شعاع تحت پوشش آن اهمیت بسزایی دارد.

*** فضای مورد نیاز هر نمازگزار در مسجد(ف): با توجه به ابعاد فیزیولوژیک انسان، نیز کیفیت ادای نماز و حرکات مخصوص آن، به ازای هر نمازگزار ۰٫۸ مترمربع در نظر گرفته شده است.

سطح زمین مورد نیاز مسجد: با توجه به آنچه گفته شد سطح زمین مورد نیاز مسجد از حاصل ضرب فضای مورد نیاز برای هر نمازگزار(ف) و جمعیت اهل

۱ این روش بر جمع‌نگری آیات در یک موضوع و دسته‌بندی و نتیجه‌گیری آن بر اساس نظم‌های عقلی و منطقی، وقوع، تاریخی متکی است. به عبارت دیگر تدبر موضوعی، نگاه جمعی به یک موضوع در قرآن کریم است و مستندات در این روش فقط برگرفته از قرآن است و این درحالیست که تفسیر موضوعی شمولی بیش از این دارد، بدان معنا که برای استنتاج علاوه بر قرآن کریم از عقل و روایات نیز به عنوان منبع تولید، بهره می‌گیرد. شایسته ذکر است که هر یک از دو روش فوق فرآیندی منطقی مختص به خود دارند که میزان اعتبار نتایج آنها وابسته به استفاده صحیح و کامل از این فرآیند است.

۲ جمعیت مخاطب مسجد(ج): اگر برطبق سرشماری سال ۷۵ کشور، بعدخانوار را در ایران ۴۰۲ در نظر بگیریم، آنگاه در این خانوار ۲ عدد برای والدین و عدد ۲٫۲ برای فرزندان منظور خواهد شد، نیز با توجه به بزرگ بودن قاعده هرم سنی ایران از میان فرزندان عدد ۱ برای فرزندان بیش از ۱۲ سال (راهنمایی به بالا) و عدد ۱٫۲ را به فرزندان کمتر از ۱۲ سال (ابتدایی به پایین) اختصاص می‌یابد. از آنجا که سن تکلیف و بلوغ شرعی نیز از ۱۲ سال به بالا ذکر شده و یا توصیه

مسجد (ج ۲) به دست می‌آید (ف* ج ۲).

سطح مسقف مسجد: با توجه به عملکردهای گوناگونی که در فضای مسجد صورت می‌گیرد، سطح مسقف-زیربنا-برای مسجد تعیین می‌گردد. در معین کردن این سطح، نوع مسجد و عملکرد آن در شهر مورد اهمیت بسزایی است، چنانچه مساجد جامع باید پذیرای معتکفین و یا دسته‌های عزاداری در ایام محرم در حوزه تحت پوشش خود باشند.

فهرست منابع

- اصغریان جدی، ا. (۱۳۷۷)، "بمانی نظری مکان یابی مساجد ایرانی در ادوار مختلف"، نشریه صفا، شماره ۲۶، صص ۳۶-۵۳.
- اعتضادی، ل. (۱۳۷۷)، "نقش مسجد در ساختار شهرهای مسلمان نشین"، مجله صفا، سال هشتم، شماره ۲۶، صص ۸-۲۱.
- الهی زاده، محمدحسین (۱۳۸۵)، مصاحبه منتشر نشده مولف، مشهد مقدس.
- بحرینی، ح. (۱۳۸۲)، "فرآیند طراحی شهری"، دانشگاه تهران، تهران.
- برومند صالح، ح. (۱۳۸۰)، "شهر و مسجد"، مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مسجد-افق آینده، دانشگاه هنر، صص ۶۷-۶۹، تهران.
- بلیان اصل، ل. و فرمانی سنسری، ش. (۱۳۸۰)، "لحظه‌ای به دور از هیاهو"، مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مسجد-افق آینده، دانشگاه هنر، صص ۷۱-۸۷، تهران.
- بمانیان، م. (۱۳۸۰)، "تقوای الهی و معماری مسجد"، مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مسجد-افق آینده، دانشگاه هنر، صص ۸۹-۱۰۱، تهران.
- تائب، م. (۱۳۸۵)، مصاحبه منتشر نشده مولف، قم.
- توسلی، م. (۱۳۸۱)، "ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران"، نشر پیام، تهران.
- توکلی، س. و جوادزاده، م. (۱۳۸۰)، "شکوه سادگی"، مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مسجد-افق آینده، دانشگاه هنر، صص ۱۷۵-۱۷۸، تهران.
- حاج سقطی، ا. (۱۳۸۰)، "ویژگی‌های تاسیسات مکانیکی مساجد در اقلیم‌های ایران"، مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مسجد-افق آینده، دانشگاه هنر، صص ۲۱۹-۲۲۹، تهران.
- حبیبی، م. (۱۳۷۸)، "مکتب اصفهان در شهرسازی"، مجله هنرهای زیبا،

- سال اول، شماره ۳، صص ۲۳-۳۳.
- حبیبی، م. و اهری، ز. (۱۳۷۷)، "معماری شهری مسجد در مکتب اصفهان-دستور زبان و واژگان" مجله صفا، سال هشتم، شماره ۲۶، صص ۲۲-۳۷.
- حبیبی، م. (۱۳۸۳)، "از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن-تفکر و تأثر"، دانشگاه تهران، تهران.
- حقیقت نائینی، غ. (۱۳۸۰)، "تحلیلی بر موقعیت و الگوی استقرار مساجد جدید"، مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مسجد-افق آینده، دانشگاه هنر، صص ۲۵۴-۲۶۵، تهران.
- روشن زاده، م. (۱۳۸۰)، "نگاهی به معماری مساجد موجود در شهر کنگاور"، مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مسجد-افق آینده، دانشگاه هنر، صص ۳۵۵-۳۶۸، تهران.
- سعیدنیا، ا. (۱۳۸۲)، "کتاب سبزره‌نمای شهرداری‌ها-کاربری زمین شهری"، ج ۲، انتشارات سازمان سازمان شهرداریهای کشور، تهران.
- طالبی، ژ. (۱۳۸۰)، "مسجد به عنوان پایگاه همبستگی اجتماعی"، مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مسجد-افق آینده، دانشگاه هنر، صص ۱۸۸-۱۹۰، تهران.
- قرائتی، ت. و قرائتی، ا. و نیاسری، ع. (۱۳۷۸)، "توصیه‌هایی برای طراحی مساجد"، مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی معماری مسجد-افق آینده، دانشگاه هنر، صص ۴۲۳-۴۳۷، تهران.
- قرائتی، ت. (۱۳۸۵)، مصاحبه منتشر نشده مولف، قم.
- قرائتی، م. (۱۳۷۹)، "تفسیر نور"، ج ۵، ستاد اقامه نماز، تهران.
- قرائتی، م. (۱۳۸۰)، "تفسیر نور"، ج ۷، ستاد اقامه نماز، تهران.
- قرائتی، م. (۱۳۸۲)، "تفسیر نور"، ج ۱۰، ستاد اقامه نماز، تهران.
- کلینی، م.، کافی، ج. ۳، نرم افزار جامع الاحادیث-نور نسخه ۲.۵، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم.
- گلپنجانی مقدم، ن. (۱۳۷۸)، "جایگاه تاریخی-معماری مسجد-مدرسه آقابزرگ کاشان"، مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی معماری مسجد-افق آینده، دانشگاه هنر، صص ۵۴۷-۵۶۳، تهران.
- مصطفوی، م. (۱۳۸۲)، "درس مسجد-موسسه مسجد"، منتشر نشده، قم.
- هاشمی رفسنجانی، ا. (۱۳۸۰)، "تفسیر راهنما"، ج ۲، مرکز نشر معارف قرآن، قم.
- هاشمی رفسنجانی، ا. (۱۳۸۱)، "تفسیر راهنما"، ج ۴، مرکز نشر معارف قرآن، قم.
- هاشمی رفسنجانی، ا. (۱۳۸۲)، "تفسیر راهنما"، ج ۷، مرکز نشر معارف قرآن، قم.